

نگاهی به وضعیت زنان افغانستان در ۲۰۰۷ (قسمت دوم)

ازدواج اجباری، تجاوز جنسی، زندان و سنگساری خودسوزی، همه نصیب زن افغان

به سلسله افشای جنایت و خشونت علیه زنان، خیرگزاری پژواک این بار از وضعیت زنان شمال کشور گزارشی بسیار تکاندنده ای تهیه کرده گزارش میدهد: تجاوز جنسی، قتل و انواع مختلف جرایم در ولایات شمال، رو به افزایش است و این وضعیت، نگرانی شدید مسئولین حقوق بشر و امور زنان را برانگیخته است.

نهاد های مدافع حقوق بشر میگویند که در جریان امسال، ده ها قضیه خشونت علیه زنان و دختران به شمول تجاوز جنسی و قتل در ولایات: جوزجان، فاریاب، کندز، سرپل، بلخ و تخار صورت گرفته است.

این نهاد ها و زنانی که مورد خشونت قرار گرفته اند، ادعا دارند که عاملین همچو تجاوزها بخاطری که زورمند اند دستگیر نمی شوند و اگر دستگیر هم شوند، در بدل پرداخت پول رها میگردند.

ملیحه ۲۲ ساله، یکتن از زنان ولایت جوزجان که قربانی تجاوز جنسی شده است در مصاحبه نوار ویدیویی که توسط سازمان حقوق بشر افغانستان در کابل (AHRO) اخیراً تهیه شده و بدسترس آژانس خبری پژواک قرار گرفته، ادعا دارد که پنج تن بر او تجاوز جنسی نموده اند.

ملیحه میگوید: «درپاکستان شوهرم از دیگر مردان پول میگرفت و آنها از من استفاده جنسی میکردند. همایش جنجال کردم، مرا لت و کوب کرد، مجبور شدم به کابل آمده و خود را به جنایی تسلیم کنم. یک سرباز بنام متین مرا برد به خانه اش، همراهی زنا کرد.»

ملیحه ادعا دارد که این سرباز، فردای آن شب با چهار نفر باز بر او تجاوز نمودند و وی را به حالت مرگ رها کردند. این زن می افزاید و قتیکه والدینش او را از کابل به جوزجان بردند و از قضیه آگاه شدند گفتند که متجاوزین پول و قدرت دارند و زور کسی به آنها نمی رسد.

خانم مغفرت صمیمی، مسؤول ساحوی سازمان حقوق بشر در ولایات جوزجان، فاریاب و سرپل، با محکوم نمودن همچو تجاوزات، وضعیت زنان را بسیار نگران کننده خوانده و به آژانس خبری پژواک گفت که اخیراً یک مرد، بر میلیحه دختر شش ساله در ولسوالی خان چارباغ فاریاب نیز تجاوز جنسی نموده است صمیمی میگوید که ولسوال خان چارباغ در بدل این تجاوز، مبلغ یکصد هزار دالر امریکایی از مرد متجاوز رشوت گرفته و او را آزاد کرده است.

وی میگوید که طی چند ماه اخیراً ۶ تجاوز جنسی، ۳ مورد قتل و ۱۶ مورد فسخ نامزدی دختران، ۴۷ قضیه لت و کوب زنان و ۳ لواطت بر پسران به دفتر آنها درج شده است.

نورمحمد ۱۷ ساله باشنده یکی از قریه های شهر شبرغان به دفتر حقوق بشر در جوزجان مراجعه و شکایت کرد که دو تن که از سوی افراد مسلح حمایت میشوند، بعد از لت و کوب زیاد، بر او تجاوز جنسی (لواطت) کرده اند، آنها یکتن از عاملین را دستگیر نمودند، اما او بعد از دادن رشوت رها شده است.

خانم صمیمی میگوید: «هدف ما اینست که جلو همچو تجاوزات گرفته شود و همچو مظالم و خشونتها از طریق رسانه ها انعکاس داده شود و مسببین آن مجازات شوند تا برای دیگران عبرت باشد.»

به گفته وی، شوهران، خانمهای شانرا و والدین دختران شانرا در بدل پول میفروشند که این خود یکی از موارد جدی خشونت و نقض حقوق زنان است.

یکتن از باشندگان ولایت فاریاب که نخواست اسمش فاش شود، گفت: «یک فامیل، دختر خورده سال خود را به پنجاه هزار افغانی فروخت و دختر را به جای نامعلوم بردند. دختر بسیار گریه میکرد و چیغ میزد.»

شریفه، مسؤول ریاست زنان ولایت فاریاب، نیز ضمن اظهار نگرانی از خشونت علیه زنان میگوید که گراف خشونتها علیه زنان، هر روز بلند می رود.

وی میگوید که مواردی که برای آنها در مورد فروش دختران رسیده است حاکی از آنست که این دخترها بین سنین ۶ الی ۱۶ سال قرار دارند. این درحالیست که به گفته شاهدان عینی در ماه گذشته، یک مرد از باشندگان کارته دوستم شهر

شبرغان زمانی که میخواست یک زن را مورد تجاوز جنسی قرار بدهد، اما زن از خویش مقاومت نشان داد، و متجاوز را با ضرب چکش به قتل رساند.

همچنان چندی قبل، شوهری خانم جوانش را در ولایت فاریاب به خاطر رفتن به منزل پدرش بدون اجازه وی با ضرب تیشه به قتل رسانید.

در میمنه شب نهم جوزا زرغونه زن جوان ۱۶ ساله را شوهر پنجاه ساله اش عبدالستار، درگذر عرب خانه شهر میمنه به قتل رساند. قاتل این جنایت را با دستبندی خانم اول و دخترش با ضربات تیشه انجام داده و سپس خود را به پلیس تسلیم نموده است. گفته میشود که علت این قتل فرار زرغونه از خانه شوهرش بوده است. زرغونه بارها به خانواده و خویشانش گفته که میخواهد از عبدالستار طلاق بگیرد. تاکنون این پنجمین قتل اعلان شده زنان توسط شوهران شان در ولایات شمال افغانستان می باشد. چندی قبل از همین شهر میمنه گزارش سوختاندن زنی توسط شوهرش پخش گردید.

یکی از قربانیان دیگر خشونت، نسیمه ۳۰ ساله باشنده ولسوالی دشت قلعه ولایت تخار است. وی ادعا دارد که یک پولیس عفت او را دریده و او خواستار مجازات وی میباشد. بخاطر همین تجاوز، یکعه مردم در ولسوالی دشت قلعه به تاریخ ۱۳ عقرب دست به تظاهرات زده و خواستار دستگیری و مجازات پولیس شدند.

خواجه غلام غوث ابوبکر، والی تخار میگوید که آنها این پولیس را که مربوط قوماندانی امنیه دشت قلعه بود و بر نسیمه تجاوز کرده بود، دستگیر و به خرنوالی معرفی نموده اند.

محمد ظاهر ظفری مسؤول دفتر ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر زون شمال شرق، تجاوز بر نسیمه را تایید نموده، میگوید که اقدامات دولت در جلوگیری از تجاوزات جنسی بر زنان و دختران، مؤثر نیست.

ظفری با نگرانی از تشدید خشونت علیه دختران و زنان میگوید که امسال بر پنج زن و دختر در ولایت تخار تجاوز جنسی صورت گرفته است. وی در جمله این پنج مورد، از تجاوز بر یک زن ۱۶ ساله، باشنده ولسوالی دشت قلعه یاد کرد. این زن که خود را معصومه معرفی کرد، مدعی است که سه ایور (برادران شوهرش) بر وی تجاوز جنسی نموده اند. او که به ریاست زنان تخار بخاطر گرفتن طلاق از شوهرش مراجعه نموده، ادعا کرد که شوهرش از برادران خود قرضدار بود و در مقابل چنین عمل شنیع، عکس العمل نشان نداد.

یکعه دختران خورد سن از فقر، غریبی و عدم توانایی در برابر زورمندان، مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند. یکی از این دختران گلدسته ۱۵ ساله باشنده ولسوالی بهارک ولایت تخار است. او ادعا دارد که از سوی پسر ارباب، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. وی میگوید: «وقتی که مادرم بخاطر هیزم از خانه برون رفت و پدر و برادر هم در خانه نبودند، میخواستم گوسفند ها را آب بدهم، پسر ۲۰ ساله ارباب دهنم را بست و با چاقو مرا ترساند، هر چی کوشش کردم که خود را از چنگش نجات بدهم، مگر چند چاقو بر جانم زد و در کشتزار پخته چند بار بر من تجاوز جنسی نمود.» گلدسته اخیراً به شورای ولایتی تخار در شهر تالفان عارض شده و خواستار مجازات این پسر متجاوز گردیده است.

رزم آراء حواش رییس امور زنان تخار، علاوه بر آنکه خواهان مجازات متجاوزین است، میگوید که ده ها همچو قضیه، امسال در تخار رخ داده است، اما کدام رقم مشخص وجود ندارد.

وی از یکی این قضیه ها که قتل یک زن ایرانی توسط شوهرش در ولسوالی فرخار ولایت تخار است، یاد آور شد و گفت: «این زن مورد خشونت و لت و کوب شوهرش قرار میگرفت، اما از اینکه، ورزشکار بود، شوهر بر وی غالب شده نمی توانست، تا آنکه او را یک شب در ماه رمضان امسال در وقت خواب با ضرب چاقو کشت و فرار کرد.»

حواش افزود که مقتول، با یک افغان مهاجر در ایران ازدواج کرده و یکسال قبل به تخار برگشته بود و از او دو طفل بجا مانده است. رییس امور زنان تخار میگوید که این زن ۲۳ ساله در امور خیریه ولسوالی فرخار نقش داشت و یک مرکز ورزشی را برای دختران در منطقه نیز ایجاد نموده بود. حواش متذکر شد که زن یاد شده، در مکتب فرخار معلم بود و زمانی که شاگردان خیر قتل او را شنیدند، گریه میکردند و خواهان مجازات قاتل بودند.

آقا نور کین توز آمر امنیت قوماندانی امنیه تخار در آن زمان گفته بود که پولیس دو تن از اعضای فامیل شوهر این زن را دستگیر کرده تا در مورد محل بود و باش شوهر فراری معلومات بدهند.

خشونت علیه زنان و دختران انواع مختلف داشته که لت و کوب، ازدواج های اجباری مردان کلان سال با دختران خورد سن، ناقص کردن اعضا، آتش زدن، فشارهای فیزیکی، بدنی و روانی و حتی کشتن زنان شامل آن است.

یکی از این موارد، قتل یک زن ۳۵ ساله مادر چهار طفل باشنده کهنه قلعه ولسوالی امام صاحب ولایت کندز است که به تاریخ ۱۶ عقرب، توسط دو تن از اقاربش با ضرب گلوله کشته شد.

معلم جمعه خان ولسوال امام صاحب علت اصلی این قضیه را خشونت خانواده گی وانمود کرده، میگوید که بی بی مریم با پسر ۸ ساله اش از بازار روانه منزلش بود که توسط دو تن موتورسایکل سوار، با ضرب گلوله بردهنش به قتل رسید و عاملین فرار نمودند.

وی افزود که بنابر تحقیقات ابتدایی و چشم‌دید پسر مقتول، یکن از عاملین که پسر عمه مریم است، بعد از یک ساعت پیگیری قضیه توسط پولیس دستگیر و تحت توقیف قرار دارد.

به گفته وی، بی بی مریم که یکسال قبل ازدواج دومی نموده، از سه ماه بدینسو با وارثین و اقارب شوهر اولی اش درگیر دعوی موروئی بخاطر نفقه چهار طفل یتیمش در محاکم بود.

ولسوال امام صاحب در حالیکه خشونت های خانواده گی را درین اواخر بیسابقه دانست، گفت که یکماه قبل، یک دختر جوان به علت خشونت دست به خودکشی زد و حدود دوماه قبل یک عروس جوان توسط شوهرش بیرحمانه به قتل رسید. به گفته وی سلطان شاه ۲۱ ساله شوهر این عروس، دستگیر شده است.

خشونت علیه دختران تاحدی شدت یافته که دختران در بدل سگ جنگی ر بوده میشوند. صنوبر ۱۲ ساله، حدود سه ماه قبل در ولسوالی علی آباد ولایت کندز، از سوی افراد زورمند در بدل یک قلاده سگ جنگی ر بوده شده و تا حال از سرنوشتش خبری نیست.

فهیمة کاکر رییس امور زنان ولایت کندز، افزایش خشونت علیه زنان را نسبت به سالهای قبل بیسابقه خوانده، میگوید که فرهنگ خشونت علیه زنان از قدیم در جامعه حکمفرما بوده و این فقر و بیسوادی است که عاملین اصلی رشد و افزایش خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه شده است.

تعداد دیگر زنان از لت و کوب توسط شوهران شان شکایت دارند. صفر ۳۵ ساله، باشنده ولایت سرپل، میگوید که شوهرش بارها وی را بدون موجب و بر سر موضوعات بسیار ناچیز و کوچک مورد لت و کوب قرار داده است.

او در حالیکه بخاطر احوالپرسی خواهرش به شهر مزار شریف آمده بود، گفت: «کاشکی زنها در این دنیا نمیبودند. ما تا چه زمان باید رنج ببریم؟ آیا گناه ما فقط زن بودن ما است؟»

احمد شاه میرداد مسؤل بخش نظارت و بررسی از تخطی های کمیسیون حقوق بشر افغانستان، لت و کوب زنان و ازدواج های اجباری را محکوم نموده میگوید: «ازدواجهای اختیاری با رضایت، حق هر دختر و پسر است. در صورتیکه به سن قانونی خود رسیده باشند، اما ازدواجهای جبری، غیر شرعی و خلاف حقوق بشر است.»

وی می افزاید که دورنمای ازدواجهای اجباری خطر ناک بوده که برخی اوقات باعث خودسوزی و خودکشی ها میگردد.

این موارد خشونت در ولایات شمال کشور در حالی انعکاس می یابند که اخیراً حسن بانو غضنفر وزیر امور زنان با اظهار نگرانی از وضعیت زنان در افغانستان آنرا بسیار ناگوار عنوان کرد. وزیر امور زنان که در گردهمایی شبکه مدافعان حقوق زنان افغانستان به تاریخ ۱۵ عقرب در مزار شریف سخن میگفت، هدف سفرش را به ولایت بلخ بررسی وضعیت و مشکلات زنان در ولایات شمال خواند.

این گردهمایی با شرکت بیش از دوصد زن ولایات مختلف از سوی کمشنری عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان دایر شده بود.

از جانب دیگر **گورگچران وردی**، مسؤل نهاد مدافع حقوق زن مدیکا مندیال در ولایات شمال، به آژانس خبری پژواک گفت که هشتاد درصد زنان در ولایات شمال، مورد خشونت قرار میگیرند و این خشونتها به یک عرف مبدل شده است.

خانم وردی افزود که آنها فقط توانسته اند تا اذهان یکتعداد محدود زنان را در این مورد روشن سازند. وی گفت: «ما بسیار در مورد خشونت علیه زنان نگران هستیم و کوشش داریم تا این مسئله را حل کنیم. اما بسیار کار مشکل و دشوار است. جامعه افغانی چون یک جامعه سنتی و مذهبی است، زمانیکه بر یک خانم تجاوز صورت میگیرد، خود اعضای فامیلش وی را میگویند که این بسیار رنج آور است.»

قرار معلومات وی، سروی و بررسیهای آن نهاد نشان داده است که زنان در افغانستان در قدم اول به امنیت، دوم به دفاع از حقوق و سوم به تطبیق حقوق شان نیاز دارند.

نامبرده به مسئله سوء استفاده جنسی خانمها اشاره نموده، میگوید که این مسئله برای آنان بسیار نگران کننده است، چراکه زمانیکه یک خانم مورد سوء استفاده جنسی قرار میگیرد، فوراً به قتل میرسد.

تجاوزهای جنسی و سایر خشونت ها علیه دختران و زنان در حالی عنوان میشود که هفته گذشته، کمپاین محو خشونت علیه زنان به سطح کشور در کابل اعلان شد. اما تعدادی از زنان راه اندازی همچو کمپاین ها را در جهت کاهش خشونت علیه زنان چندان موثر نمی دانند.

سازمان حقوق بشر بین المللی که مقر آن در نیویارک است، از هیئت حقیقت یاب شورای امنیت سازمان ملل متحد که در حال حاضر، مصروف سفر به افغانستان است، خواسته است که در کاهش خشونت علیه زنان افغان، اقدامات جدی نماید. این سازمان طی گزارشی که تازه به نشر سپرده، وضعیت زنان افغانستان را ناگوار دانسته و از خشونت علیه زنان ابراز نگرانی شدید نموده است.

خودکشی زنان در هلمند

ریاست زنان ولایت هلمند میگوید که واقعات خودکشی زنان در ولایت مذکور، افزایش یافته است و علت آن رویه نادرست در مقابل آنها و مشکلات خانوادگی و اقتصادی میباشد.

این منبع میگوید که از آغاز سال جاری خورشیدی تا کنون، بیش از بیست زن در ولایت هلمند خودکشی نموده اند که بیشتر آنها دختران بین سنین ۱۸ و ۲۰ سال بودند. از جمله چهار دختر تنها در ماه گذشته خودکشی نموده اند.

غوتی ۱۷ ساله، یکی از دخترانی است که فقط یک هفته قبل از رمضان با خوردن مقداری تریاک به زندگی اش خاتمه داد. گرچه سردار محمد پدر غوتی علت خودکشی او را درد شکم وی میدانند اما برادر وی علت خودکشی او را چیز دیگر بیان میکند و میگوید که پدرش نکاح غوتی را با کسی می بست که وی راضی نبود و وقتی که وی در مورد این کار اعتراض نمود پدرش بروی خشم کرد و از وی ناراض شد. برادر غوتی افزود: "وقتی که غوتی با تصمیم پدرم مخالفت نمود، پدرم به وی گفت که تو دختر من هستی و باید امر مرا قبول کنی."

برادر غوتی میگوید که بعداً خواهرش به خوردن تریاک دست زده به درد شکم مبتلا شد و ساعاتی بعد جان داد. یکن از داکتران شفاخانه بست گفت که غوتی به دلیل خوردن مقدار زیاد تریاک، خودکشی نموده است. یک خانم دیگر نیز در منطقه سرک چهل متره مرکز لشکرگاه به علت خوردن مقدار زیاد تریاک به زنده گی اش خاتمه داد.

فوزیه علمی، رئیس امور زنان هلمند میگوید که با این زن، فامیلش رویه نادرست مینمود، و وی به خوردن تریاک اقدام کرده و آنقدر تریاک خورد که به زنده گی اش خاتمه داد.

نسیمه، یکن از باشندگان ولسوالی نوزاد هلمند که در شورای حقوق زنان کاروردر گرشک زندگی میکرد، با آتش کلاشینکوف به زندگی اش خاتمه داد. نسیمه میخواست از گرشک به مرکز هلمند یعنی به لشکرگاه تبدیل شود، مگر به گفته گلالی شیرزاد، یکن از مسئولین شورای حقوق زنان در گرشک، به دلیل خراب بودن اوضاع امنیتی با تبدیلی وی مخالفت کردید. اما چندی بعد، نسیمه از نزد یک پولیس کلاشینکوف را میگیرد و میله آنرا بر سینه خود گذاشته فیر میکند و خود را به قتل میرساند.

فوزیه علمی، رئیس امور زنان هلمند میگوید که طی سال جاری خورشیدی، حدود بیست زن که اکثریت آنها دختر اند، خودکشی نموده اند. وی علت این قتل ها را رویه نادرست در مقابل زنان، مشکلات اقتصادی و خانوادگی و بشوهر دادن دختران به زور و بدون رضایت شان، میدانند.

تورپیکي ثنا، یک کارشناس امور زنان در ولایت هلمند علت به وقوع پیوستن چنین واقعات را دو چیز میدانند. اول، اکثریت دختران بی سواد اند، وقتی که توسط مادر، پدر و یا شوهر تهدید میشوند آنها حل این مشکل را در خودکشی می بینند. علت دوم اینست که مردان تریاک را از زمین های شان جمع آوری و آن را در منازل خود نگهداری مینمایند. در نتیجه، دختران و زنان با آن معتاد شده و در برخی مواقع باعث مرگ شان میشود. (خبرگزاری پژواک)

ازدواج اجباری - تجاوز جنسی - زندان و سنگسار:

جمیله خانم ۱۶ ساله، در سن ۹ سالگی به مرد ۷۵ ساله عقد شده و در ۱۲ سالگی مادر شده است. لت و کوب و تجاوز جنسی شوهرش چاشنی زندگی روزمره اش بود. زمانی که زندگی تحت چنین شرایطی برایش غیر قابل تحمل گردید پا به فرار گذاشت، ولی بزودی دستگیر و به زندان افتاد.

خانم دوکتورسیما سمر رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، پیامدهای اجتماعی، حقوقی و کیفری آنعده از زنانیکه باصطلاح بنابه جرایم اخلاقی زندانی گردیده اند و تقریباً ۹۰٪ زندانیان زن را تشکیل میدهند، اینگونه ارزیابی می نماید: "اینها همه زنانی اند که بدلیل بدرفتاریهای شوهران شان لت و کوب شده اند و حالا در زندان بسر می برند. در خانواده هاییکه اطفال خردسال ۸-۹ ساله را مجبور به ازدواج میسازند، این خشونتها بیشتر اند. ۶۰-۸۰ درصد ازدواجها اجباری اند. زنان یا به این ازدواجها جبراً تن میدهند، یا پا به فرار میگذارند و یا دلجویی مرد دیگری را ترجیح میدهند.

این دو حالت اخیر مخالف با قوانین اخلاقی جامعه افغانی است و میتواند عواقب بسیار هولناکی را برای زنها درقبال داشته باشد.

خانم عادلہ محسنی که تحصیل یافته حقوق و وکیل مدافع زنان است معتقد است که: "زن افغان از ابتدای تولد که بدنیا می آید، با آه و افسوس استقبال میگردد و تا آخر عمر بدلیل اینکه زن است باید زجر بشکند و تحمل کند.

زن افغان در زندگی خود حق انتخاب کردن ندارد، حق دوست داشتن راندارد و اگر بخواهد کسی و یا چیزی را دوست داشته باشد باید دیگران بوی اجازه دهند. زنان افغان برای زندگی خودشان حق برنامه ریزی راندارند"

هیچ مرجعی از زن افغان حمایت نمیکند!

سیما سمر معتقد است که در دهات و روستا های افغانستان بازرسی به این قضایا را مردان خانواده و شورا ها به دست دارند و به اساس قوانین شرعی عمل مینمایند. زنان به قتل میرسند، سوختانده میشوند و یا سنگسار میگردند. یک تعداد نهایت کم این قضایا علنی میگردند. در شهر ها به مقایسه دهات، زنان بصورت عموم به زندان انداخته میشوند. خانم مونیکا هوزر مسوول موسسه میدیکا موندیال که از سال های زیادی به این طرف در افغانستان فعال است، عقیده دارد که مشکل اساسی را سیستم قضایی افغانستان ساخته است، زیرا یک سیستم واحد قضائی وجود ندارد. در پهلوی سیستم پیشبینی شده در قانون اساسی، دو سیستم دیگر نیز فعال است. "قوانین قبیلوی و شرعی مشکل اساسی را در افغانستان بوجود آورده است. به صورت عموم روابط خانوادگی به اساس این قوانین تعیین میگردند و فشار اساسی آن نیز روی زنان است." تنها وقتی که افکار مردان افغان تغییر یابد، شرایط زنان میتواند بهتر گردد. خانم عادلہ محسنی وکیل مدافع زنان میگوید: در محاکم افغانستان اکثر حقوق زنان پامال میگردد. در محاکم افغانستان فقط یک قاضی زن داریم که در محکمه فامیلی کار میکند و متأسفانه وی نیز با زنان برخورد مردسالارانه دارد، بزعم ایشان شرع همینطور حکم می کند، و ما مأموریم و معذور - نمیتوانیم کار دیگری بکنیم". خانم محسنی میگوید: "در محاکم افغانستان قوانین جدید در اختیار کسی قرار نگرفته است. قوانین جدید تصویب نگردیده اند. ما مجبوریم از قوانین قدیم استفاده نمائیم. این قوانین با نورمهای بین المللی و حقوق بشرچندان سازگاری ندارند و فقط "شریعت" در نظر گرفته شده است.

در این شکی نیست که در پامال نمودن حقوق اجتماعی و مدنی زنان افغانستان فرهنگ سنتی جامعه و طرز برداشت این فرهنگ از شریعت، نقش مهمی دارند. فقر و پیامدهای خشونتبار یک جامعه جنگزده بر این مصیبتها می افزاید. ولی نکته ای که در برخورد نابرابر و ظالمانه با زنان در افغانستان نباید هرگز فراموش گردد، مساله قدرت است. یعنی در یک جامعه سنتی مردان و بویژه اهل قدرت که دارای طرز تفکر مرد سالارانه اند، میکوشند، با در تنگنا قرار دادن حقوق زنان از لحاظ سیاسی و قانونگذاری، بصورت خود کار سلطه و حاکمیت بلا مانع خود را بر نیمی از جامعه کشور ثابت نگهدارند. خانم باربارا لوخ بیهلر Barbara Lochbihler سکرتر جنرال سازمان عفو بین الملل در المان عقیده دارد که ۸۰ درصد مردان افغان همان تصویری را از زن دارند که طالبان آنرا برای ما میدادند. تنها وقتی که افکار مردان افغان تغییر یابد، شرایط زنان میتواند بهتر گردد. "متأسفانه مطبوعات بین المللی علاقمندی شانرا در مورد شرایط و مشکلات زنان افغان از دست داده اند. بزودی علاقه شانرا از یک میدان جنگ به میدان جنگ دیگر سوق میدهند. اما ما سازمان حقوق بشر هستیم و برای خود چنین حرکتی را اجازه نمیدهیم."

افغانستان: بی نقاب



Sharmeen Obaid Chinoy

شب هفدهم ماه می ۲۰۰۷، فلمی تازه بنام "افغانستان: بی نقاب" از ساخته های خانم عبید شرمین چنای، از کانال چهار تلویزیون بریتانیا پخش شد.

"افغانستان: بی نقاب" با برشهایی از سخنان جورج بوش، همسرش لارا بوش، و شری بلر همسر تونی بلر آغاز مییابد و مینمایاند که آنها چگونه از "فشار و ستم طالبان بر زنان افغان" و به دنبالش از برنامه های خود شان برای "آزادی" زنها در افغانستان میگویند.

شرمین چشم کمره فلمبرداری را به زخمهای تن و روان آنانی که بوش پس از یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱، وعده "آزاد کردن" شان را داده بود، میگرداند و با نمونه برداری از چند شهر نمایان میسازد که دامنه پدیده هایی مانند خشونت، فشار، ستم، بیکاری، بیماری، کشته شدن، خودکشی و خودسوزی اکنون به کجاها رسیده است.

آشکار است که بزرگترین نشانه های "پیشرفت" را باید در پایتخت جستجو کرد. فلم نیز از هتلها، فروشگاهها و خانه های پر زرق و برق جنگسالاران در دل کابل آغاز می کند. برای آنکه تماشاچی خوشباور گمان نبرد این رنگها و رونقها نشاندهنده جلال آزادی و کمال حقوق زن در کابل است، کمی اینسو و آنسو نیز نمایانده میشوند: زنان بیسرپناه، گداهها، زنده پوشها، پابرهنه ها، دزدها و آنانی که با پول تنفروشی برای فرزندان شان آب و نانی فراهم می آورند.

زن گدایی "شرمین" را با خود میبرد به کلبه اش در غرب کابل، جایی که گزارشگران رفت و آمد زیادی به آن ندارند. او در میان چهاردیواری بمبارد شده اش چگونه کشته شدن شوهرش را باز میگوید.

این گدا که یکی از دو میلیون بیوه سالهای جنگ افغانستان است، با شرمین چادرپوش کوچه ها را گشت میزند تا نشان دهد که زنان برون از خانه، شکار چه برخوردهایی اند و چرا وادار میشوند خود را شهروند درجه دو به شمار آرند.

باری چشم کمره به درون شفاخانه یی در هرات راه میکشد. دختران و زنان جوان از ناچاری و درماندگی، خود را آتش زده اند. شگفت اینکه آنها از ترس بدنامی و لکه دار شدن حیثیت خانواده وانمود میکنند که تصادفاً سوخته اند.

دختری ۱۲ ساله میگوید: پنج سال پیش، پدرتربا یکمرا به مردی که به گفته او باید شوهر آینده ام میشد، فروخت. من هم رفتم و از پا تا کمر خود را آتش زدم.

شرمین چنای دو هفته پیش از نمایش فلم نیز به Andrew Marr گزارشگر BBC گفته بود: "گراف خودکشی زنان افغان در دو سال گذشته دو برابر بالاتر رفته است. شفاخانه هرات گواه صدها رویداد خودسوزی دختران و زنان جوان است. پاشیدن نفت بر خود و آنگاه آتش زدن، روشنترین نماد بریدن همه امیدها شمرده میشود. البته با خوردن زهر یا خود را به رودخانه انداختن نیز میتواند به زندگی پایان دهد، ولی کسانی که خود را آتش میزنند، پیام برتر و تلختری دارند: از زندگی به تنگ آمده ایم آنچنان که نمیخواهیم خاموشانه بمیریم."

"افغانستان: بی نقاب" در جولای ۲۰۰۷ در CNN نیز نمایش داده خواهد شد. برای آگاهی بیشتر اینجا را کلیک کنید: www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/story/2007/05/07 (رک: کابل ناتمه، شماره ۵۱)

نگرانی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان:

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نخستین نهاد رسمی در افغانستان است که به دنبال توافقات بن به منظور نظارت و رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر در این کشور ایجاد شد. ولی این کمیسیون در حال حاضر وضعیت حقوق بشر در افغانستان را نگران کننده می خواند.

آقای نادری سخنگوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می گوید: "با وجودی که تغییرات مثبتی در عرصه تامین، رعایت و احترام به حقوق بشر در افغانستان رونما شده ولی مشکلات بسیار بسیار جدی برسر راه تامین همه جانبه حقوق بشر در این کشور قرار دارد."

سوال اینجاست که چرا پنج سال پس از توافقات بن و صرف میلیون ها دلار در زمینه اجرا و رعایت حقوق بشر در افغانستان، وضعیت حقوق بشر در این کشور از آنچه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده فاصله دارد؟

تقی واحدی از فعالان حقوق بشر در شمال افغانستان به این باور است که نقض حقوق بشر عمدتاً از سوی ساختارها و افرادی در درون نظام انجام می شود. آقای نادری می گوید یک تعداد افراد در درون نهادهای قضایی و امنیتی افغانستان آگاهانه تلاش می کنند تا ارزشهای حقوق بشری را موضوع وارداتی و مخالف با فرهنگ افغانها نشان دهند.

خانم حوریه مصدق معاون پروژه و مسوول بخش ارتباطات گروه تحقیق و دفاع از حقوق بشر افغانستان معتقد است که زنان افغان بیشتر ستمزدگان رسوم و عنعنات فرسوده ی افغانی هستند، رسوم و عنعنات که به مرور زمان شکل و رنگ مذهبی را به خود گرفته است و در اصل مخالف قوانین اسلامی است. وی میفراید: ارگان های که برای دفاع از حقوق انسان های یک اجتماع هستند، هر گاه با فساد آراسته باشند، هیچگاه نمی توانند موفق باشند و با ناکامی مواجه هستند. وی اضافه مینماید که زنان در زندان های افغانستان هم محفوظ نیستند. زنان مورد تجاوز قرار میگیرند و برای اینکه فیصله به نفع شان صورت گیرد، باید به خواهشات ناجایز یک تعداد قاضی ها جواب مثبت بدهند که این میتواند یک نمونه باشد برای فساد قضایی که متأسفانه در افغانستان حکم فرماست. متأسفانه زنان افغانستان با این وضع حتماً پشتوانه قضایی شانرا از دست داده اند. تنها راهی که برای شان باقی مانده فقط و فقط اتکا کردن بخود و آموختن علوم وفنون و مسلح کردن خود با دانش و علوم است و بس.

دستاوردها

ایجاد نهادهای ناظر بر حقوق بشر در افغانستان در پنج سال گذشته می تواند یک دستاورد مهم شمرده شود. آشنایی مردم با مفاهیم و اصطلاحات حقوق بشری مهم ترین دستاورد در این عرصه می تواند باشد ولی این که چرا کمیسیون حقوق بشر کار شگرفی را انجام نداده به این دلیل است که در قانون اساسی افغانستان برای این کمیسیون تنها وظیفه گزارش دهی و اگذار شده است. این کمیسیون حداقل در مدت در پنج سال گذشته توانسته به ۱۸ هزار مورد نقض حقوق بشر در افغانستان رسیدگی کند.

بر اساس بررسی های انجام شده این کمیسیون در سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۴ هزار مورد نقض حقوق بشر در افغانستان به ثبت رسیده که به گفته آقای نادری این رقم نشان دهنده افزایش در این مورد است. او یکی از دلایل این افزایش را دسترسی به منابع و مناطق بیشتر در افغانستان پس از ایجاد این کمیسیون می داند.

از سوی دیگر اعتراف به وضعیت ناگوار حقوق بشر در افغانستان به هیچ وجه به معنای آن نیست که نهادهای فعال حقوق بشر و دولت این کشور در این مدت هیچ دستاوردی نداشته اند.

شگریه بارکزی عضو مجلس نمایندگان افغانستان آگاهی و شناخت مردم را از مفاهیم و مقولات مطرح در ترمولوژی حقوق بشری مهم ترین دستاورد در این عرصه می داند. ولی این که چرا کمیسیون حقوق بشر کار شگرفی را انجام نداده به این دلیل است که در قانون اساسی افغانستان برای این کمیسیون تنها وظیفه گزارش دهی واگذار شده است. " با این حال برخی ها نیز مصلحت گرایی ها، ناهماهنگی کاری میان نهادهای موجود در عرصه نظارت بر حقوق بشر و عدم برخورد قانونی با ناقضان حقوق بشر را در پنج سال گذشته از مهم ترین مسائلی عنوان می کنند که دستاوردهای عرصه حقوق بشر را در افغانستان کم رنگ نشان می دهد. (بی بی سی ۳۰ دسمبر ۲۰۰۶) **پایان**